مجازات سنگین برای فروشنده گوشت اسب

مردی که اقدام به ذبح ۹ راس اسب و دو راس الاغ بیمار در یکی از شهرستان‌های آذربایجان‌شرقی کرده بود، بازداشت شد.

امیرحسین بهداد، مدیرکل دامپزشکی آذربایجان‌شرقی به ایسنا گفت: روز پنجشنبه بیست و هفتم تیر امسال، در یکی از شهرستان‌های استان یکی از متخلفان که اقدام به ذبح ۹ راس اسب و دو راس الاغ مریض کرده بود، هنگام کشتار بازداشت و تحویل مقامات قضایی شد. برای وی سنگین‌ترین محکومیت از طرف دستگاه قضایی صادر و به هفت سال حبس تعزیری و یك سال حبس به خاطر تهدید علیه بهداشت عمومی و همچنین ۴۲ میلیون ۷۰۰ هزار تومان جریمه مالی محکوم شد. معمولا این‌گونه گوشت‌ها به صورت چرخ‌کرده و فله‌ای به فروش می‌رسد و توصیه می‌کنیم مردم از خرید گوشت‌های چرخ‌کرده و فله‌ای پرهیز کنند و گوشت چرخ‌کرده بسته‌بندی‌شده با برچسب‌های ثبت‌شده دامپزشکی را خریداری کنند.

حبس ابد پایان فرارهای «ال چاپو»

ال چاپو، قاچاقچی معروف مکزیکی و رهبر یکی از کارتل‌های بزرگ مواد مخدر بعد از محاکمه به حبس ابد محکوم شد.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، خواکین گوزمان معروف به «ال چاپو» سال ۱۹۵۷ میلادی و در روستایی دوره افتاده‌ای در حاشیه کوه‌های ایالت سینالوآ به دنیا آمد. ایالتی که نام آن بعدها الهام‌بخش نامگذاری کارتل حمل و توزیع مواد مخدری شد که او طی ۳۰ سال گذشته حاکم مطلق آن بود. این مرد رئیس شبکه توزیع ماری جوانا، هروئین و کوکائین در مکزیك و آمریکا بود و اکنون ۶۲ساله است و از ۳۰ سال پیش هدایت باند سینالوآ را به‌عهده داشت. ثروت او بیش از یك میلیارد دلار تخمین زده شده است. این مافیای مواد مخدر سابقه دستگیری‌های متعدد توسط پلیس مکزیك را در پرونده خود دارد. این قاچاقچی پس از آن که برای آخرین بار در ژانویه ۲۰۱۶ میلادی توسط پلیس مکزیك دستگیر شد، به درخواست آمریکا به این کشور تحویل داده شد. پیشتر آمریکا برای دستگیری و تحویل او پنج میلیون دلار جایزه تعیین کرده بود. او اولین بار سال ۱۹۹۳ میلادی در گواتمالا دستگیر و بعد از آن که در اختیار پلیس مکزیك قرار گرفت. بعد از محاکمه به ۲۰ سال حبس محکوم شد، اما او در سال ۲۰۰۱ میلادی موفق شد از طریق اختفا در میان لباس‌های چرك زندانیان که برای شست‌وشو به بیرون زندان ارسال می‌شد، فرار کند. سال ۲۰۱۴ میلادی دوباره از سوی پلیس مکزیك بازداشت شد، اما جولای ۲۰۱۵ میلادی از طریق یك تونل یك و نیم کیلومتری که زیر سلول او حفر شده بود، دوباره از زندان گریخت و سومین بازداشت ال چاپو که ژانویه ۲۰۱۶ میلادی رخ داد، او را به پایان فرارش رساند. او طی ۳۰ سال گذشته ۱۲۰۰ تن کوکائین قاچاق کرده است و چهارشنبه در یکی از دادگاه‌های آمریکا محاکمه شد.

او ده دقیقه از خود دفاع کرد و مدعی بود که در این دادگاه عدالتی وجود ندارد. او همچنین از وضعیت زندان آمریکا گلایه کرد و گفت که غیرانسانی‌ترین شرایط را در طول زندگی‌اش در اینجا داشته و شکنجه‌های روحی، روانی و فیزیکی را تحمل کرده است.

ال چاپو در دادگاه متهم شد، یك کارتل بزرگ مواد مخدر را هدایت کرده و طی ۳۰ سال فعالیتش در این گروه مبادرت به آدم‌ربایی، شکنجه و قتل مخالفانش کرده است.

بعد از پایان جلسه دادگاه، ال چاپو به زندان بازگشت و قاضی دادگاه این قاچاقچی حرفه‌ای را به حبس ابد به علاوه ۳۰ سال زندان و پرداخت ۱۲/۶ میلیارد دلار جریمه محکوم کرد. حالا این مرد مافیایی باید تا پایان عمر خود در یکی از زندان‌های آمریکا بماند.

رفیق‌کشی به خاطر کبوترهای دزدی

حکم قصاص مرد معتاد که در دعوا با دوستش بر سر تقسیم پول کبوترهای دزدیده شده، وی را کشته بود دیروز در دیوان‌عالی کشور مهر تایید خورد و قطعی شد.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، بیست و ششم آبان سال ۹۲ به ماموران کلانتری ۱۷۴ قیامدشت خبر رسید جسد یك مرد ۳۰ ساله به نام ابراهیم در خیابانی خلوت پیدا شده است. شواهد نشان می‌داد ابراهیم با ضربه چاقو به گردنش کشته و جسد وی در یکی از خیابان‌های خلوت قیامدشت رها شده است. جسد خونین به پزشکی قانونی منتقل شد و پلیس برای رازگشایی جنایت به تکاپو افتاد. ساعتی از این ماجرا نگذشته بود که مرد جوانی به پلیس آگاهی رفت و پرده از این جنایت برداشت.

وی گفت: دوست معتادم به نام حبیب ساعتی پیش برای خرید مواد مخدر به محله ما آمده بود. او حال طبیعی نداشت و می‌گفت دوستمان به نام ابراهیم را با چاقو کشته است. او حتی چاقوی خونی را به ما نشان داد. من چاقو را از او گرفتم و حالا به آگاهی آمده‌ام تا حقیقت را بگویم.

به دنبال اظهارات این شاهد، تلاش برای ردیابی حبیب آغاز شد، اما ردی از وی به دست نیامد. شواهد نشان می‌داد حبیب ۴۲ ساله به مکان نامعلومی گریخته است. دو سال و ۵ ماه از این ماجرا گذشته بود که پلیس رد حبیب را در یك کمپ ترك اعتیاد یافت و وی را بازداشت کرد. این متهم که خودش را با اسم جعلی معرفی کرده بود، سعی داشت با دروغگویی پلیس را گمراه کند، اما در بازجویی‌ها به قتل اعتراف کرد. وی گفت: مقتول را از سال‌ها قبل می‌شناختم. او دوست برادرم بود و گاهی به خانه ما رفت و آمد داشت. سال‌ها بعد وقتی به دام اعتیاد افتادم، پیش من می‌آمد و با هم مواد مصرف می‌کردیم. آخرین بار سر تقسیم کبوترهای دزدی با هم درگیر شدیم. او به رویم چاقو کشید و من هم برای دفاع از خودم چاقو را از دستش گرفتم و یك ضربه به گردنش زدم.

این متهم در شعبه چهارم دادگاه کیفری یك استان تهران به ریاست قاضی اصغر عبدا...ی و با حضور یك قاضی مستشار پای میز محاکمه ایستاد.

در ابتدای آن جلسه اولیای دم برای حبیب حکم قصاص خواستند. سپس متهم روبه روی قضات ایستاد و جرمش را انکار کرد و گفت: من ابراهیم را نمی‌شناختم و نمی‌دانم چه کسی او را در خیابان کشته است. دوستم به دروغ من را به عنوان قاتل معرفی کرده است. من در اداره پلیس تحت فشارهای روانی به قتل اعتراف کردم.

در آن میان قاضی با بررسی سابقه پرونده متهم گفت: شما و مقتول در سال ۸۵ به اتهام سرقت از صندوق صدقات بازداشت شده بودید و این موضوع نشان دهنده رابطه دوستی شماست. چطور منکر رفاقت با مقتول هستی؟ متهم با شنیدن اظهارات قاضی لب به اعتراف گشود و گفت: می‌خواهم حقیقت را بگویم. من ابراهیم را کشتم. ما چند کبوتر سرقت کرده بودیم و می‌خواستیم کبوترها را میان خودمان تقسیم کنیم، اما سر این موضوع با هم درگیر شدیم. من که کنترل اعصابم را از دست داده بودم با چاقو یك ضربه به گردن ابراهیم زدم و فرار کردم.

در پایان جلسه هیات قضایی وارد شور شد و حبیب را به قصاص محکوم کرد. دیروز این حکم در شعبه ۳۱ دیوان عالی کشور مهر تایید خورد و قطعی شد و به این ترتیب سایه مرگ روی سر مرد معتاد قرار گرفت.

آدم‌ربایی ساختگی داماد برای فرار از ازدواج

پسر مقیم آلمان زمانی که مجبور شد بدون علاقه به دختر جوان پای سفره عقد بنشیند، ماجرای آدم‌ربایی ساختگی را اجرا کرد. او سه ساعت قبل از عروسی ناپدید شد و ادعا کرد ربوده شده تا مراسم به هم بخورد.

به گزارش خبرنگار جنایی جام‌جم، چند روز پیش زوج میانسالی با حضور در پلیس آگاهی تهران شکایت کردند که پسرجوانشان سه ساعت مانده به شب عروسی‌اش ربوده شده و آدم‌ربایان برای آزادی‌اش پول خواسته‌اند.

شاکی به افسر تحقیق گفت: پسرم کار و زندگی‌اش در آلمان است و چندماه پیش نامزد کرد و به ایران آمد تا جشن عقد و عروسی‌اش را برگزار کنیم. او قرار بود به آرایشگاهی در شمال تهران برود و عروس را به تالار بیاورد که ناپدید شد. سه ساعت مانده به جشن، فرد ناشناسی به عروسم پیامك فرستاد و برای آزادی پسرم ۵۰۰۰ یورو درخواست کرد.

پس از این شکایت، پرونده قضایی تشکیل و تحقیقات پلیسی ادامه یافت تا این‌که در سومین روزی که داماد جوان ربوده شده بود، او به خانه بازگشت و گفت که آدم‌ربایها رهایش کرده‌اند. پلیس که از ماجرا باخبر شده بود، داماد جوان را احضار کرد و تحقیقات از او آغاز شد.

وی اظهار کرد: آن شب قرار بود به دنبال همسرم در آرایشگاه بروم که در پارکینگ خانه چهار مرد به من حمله کرده و با خودروی پژویی مرا ربودند. آنها مرا به خانه باغی برده و کتکم زدند. بعد هم پیامکی برای همسرم ارسال کردند و برای آزادی‌ام ۵۰۰۰ یورو خواستند. سه روز کتکم زدند و بعد هم ادعا کردند که مرا به اشتباه ربوده‌اند و آزادم کردند.

این در حالی بود که وی به پزشك قانونی معرفی شد و کارشناسان نظر دادند که شکنجه نشده و آثار ضرب و جرح روی بدنش خودزنی است. همین گزارش کافی بود که ماموران به تازه داماد مشکوك شوند و مطمئن شوند که آدم‌ربایی ساختگی است. داماد جوان دوباره بازجویی شد و این بار واقعیت را گفت و مدعی شد: در آلمان زندگی و کار می‌کنم و نمی‌خواستم به این زودی ازدواج کنم، اما خانواده مرا مجبور به ازدواج کردند. مادرم قاب عکسم را برمی‌داشت و چند بار در ماه به خانه اقوام، همسایه و دوست و آشنا سر می‌زد تا عروسی پیدا کند. این اواخر حالش بد شده و به ناراحتی قلبی مبتلا شده و مدتی در بیمارستان بستری بود. مدام می‌گفت من می‌میرم و عروسی‌ات را که آرزویم است، نمی‌بینم. آن‌قدر مرا تحت فشار قراردادند که قبول کردم و به خواستگاری دختری بروند و با او نامزد کردم. گفتم بعد از مدتی آن دختر می‌فهمد به او علاقه ندارم و مراسم به هم می‌خورد که نشد. از طرفی چون مادرم بیمار بود با من تماس گرفتند که قرار است جشن عقد و عروسی برگزار کنیم و به ایران آمدم. قصد ازدواج نداشتم و از سویی نمی‌خواستم آن دختر زندگی بدون عشقی را تجربه کند و عذاب بکشد. موضوع را به دوستم گفتم و قرار شد ماجرای آدم‌ربایی ساختگی را اجرا کنیم. سه ساعت مانده به جشن عروسی، قرار بود برای گل زدن خودرو و آوردن عروس به آرایشگاه بروم که آنجا نرفتم و به خانه ویلایی دوستم در شمال کشور رفتم. بعد پیامك‌هایی را برای تلفن عروس ارسال کردم که نشان دهم ربوده شده‌ام و برای آزادی‌ام باید خانواده‌ام ۵۰۰۰ یورو بپردازد.

پس از اعترافات تازه داماد، نوعروس اعلام کرد که دیگر حاضر به ازدواج با او نیست و خانواده مرد جوان هم قول دادند او را مجبور به ازدواج نکنند.

پسر جوان تصور نمی‌کرد از آدم‌ربایی ساختگی‌اش با گزارش پزشکی قانونی فاش شود

سحرگاه مرگ برای زن و مرد قاتل

زن و مردی که به اتهام جنایت‌های جداگانه‌ای به ترتیب در زندان‌های نوشهر و ماهشهر به سر می‌بردند، به دار مجازات آویخته شدند.

به گزارش جام‌جم، نخستین اعدامی، زنی ۴۳ساله و پرستار خانگی بود. ماجرا از آنجا آغاز شد که پسر پنج سال‌های به نام بردیا حاتمی، اهل منطقه رودبارك کلاردشت روز نهم تیر ۹۵ ناپدید شد. یك روز بعد جسد این کودك در نزدیکی رودخانه سردآبرود داخل یك کیسه پیدا شد. پرستار مادربزرگ او آخرین نفری بود که وی را دیده بود. به همین دلیل به عنوان مظنون بازداشت و بعد از ۴۰ روز از دستگیری‌اش به قتل کودك اعتراف و انگیزه قتل را فشار عصبی عنوان کرد. او بعد از محاکمه در دادگاه حکم قصاص گرفت و این حکم در دیوان‌عالی کشور تایید شد. او نتوانست رضایت خانواده مقتول را جلب کند و سرانجام بعد از گذشت سه سال از جنایت در زندان نوشهر به دار مجازات آویخته شد.

دومین زندانی نیز مردی بود که با همدستی همسرش سال گذشته با سلاح گرم اقدام به قتل مستاجر خود کرده بود که توسط پلیس آگاهی بندر ماهشهر دستگیر شد. او بعد از محاکمه حکم قصاص گرفت و با تایید این حکم در دیوان عالی کشور یك گام به مرگ نزدیك شد. او با گذشت یك سال از این جنایت در ندامتگاه بندر ماهشهر به پای چوبه دار رفت و اعدام شد.

گوشی‌قاپی برای آزادی دوست زندانی!

پسر ۱۷ ساله برای هیجان و تامین نیمی از دیه ۲۰۰ میلیون تومانی دوستش، تلفن‌همراه‌قاپی می‌کرد. متهم هنگام فرار دو مامور پلیس را با خودرو زیر گرفت.

به گزارش خبرنگار جنایی جام‌جم، ازچندی پیش شکایت‌هایی در دستور کار ماموران پایگاه هفتم پلیس آگاهی تهران قرار گرفت که نشان می‌داد، دو پسر که یکی نوجوان و دیگری جوان است با چاقو به مردم حمله می‌کنند و گاهی نیز با تعقیب افراد، دست به گوشی‌قاپی می‌زنند.

پرونده‌ای در شعبه سوم بازپرسی دادسرای ناحیه ۳۴ تهران تشکیل و با دستور بازپرس قریب احمدزاده تحقیقات آغاز شد. سرانجام چند روز پیش ماموران گشت موتوری در خیابان ری در جنوب تهران مشاهده کردند مرد پرایدسواری گوشی مرد مغازه‌داری را سرقت کرد. ماموران به تعقیب سارق پرداخته، اما او دنده‌عقب گرفت و با مصدوم کردن دو مامور از محل گریخت.

ماموران مصدوم موضوع را از طریق بی‌سیم به مرکز اطلاع داده و مشخصات پراید در اختیار گشت‌های پلیس قرار گرفت. ماموران گشت با مشاهده پراید به تعقیبش پرداخته و بعد از شلیك هفت تیر هوایی لاستیك خودرو را هدف قرار داده و سارق بعد از تصادف با سه خودرو متوقف شد. راننده ۱۷ ساله پراید قصد داشت پیاده فرار کند که دستگیر شد.

شاهین، پسر ۱۷ ساله به شعبه سوم بازپرسی دادسرای ناحیه ۳۴ تهران منتقل شد و به بازپرس پرونده گفت: پدر معتادم ده سال پیش از مادرم جدا شد. مادرم با دستفروشی هزینه زندگی من و خواهرم را تامین می‌کرد. وقتی این وضع را دیدم با رها کردن درسم در یك خیاطی مشغول به کار شدم و ماهی ۶۰۰ هزار تومان حقوق می‌گرفتم.

احمد ۲۰ساله بچه‌محله‌مان بود. او بارها به خاطر گوشی‌قاپی به زندان افتاده بود. پاییز سال گذشته که آزاد شد، سراغم آمد و نحوه گوشی‌قاپی را به من آموزش داد و با هم سرقت‌ها را آغاز کردیم. ابتدا برای هیجان و پولدار شدن سرقت می‌کردیم، اما بعد از مدتی متوجه شدم دوست ۲۲ سال‌هام که مدتی با من در خیاطی کار می‌کرد و در آستانه جشن ازدواجش بوده دعوا کرده و فردی را به کما فرستاده و باید ۲۰۰ میلیون تومان دیه بدهد. صد میلیون تومان خودش جور کرده بود، اما صد میلیون تومان دیگر لازم داشت. بعد از اطلاع از این موضوع، تصمیم گرفتم با گوشی‌قاپی بقیه پول دیه را جمع کنم تا دوستم آزاد شود.

تحقیقات از متهم برای بازداشت همدست فراری‌اش ادامه دارد.

مرگ تلخ پسر ۶ ساله در باغ‌تالار

پسربچه شش سال‌های در مراسم عروسی در باغ تالاری در غرب تهران براثر برق‌گرفتگی فوت شد.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، ساعت یك بامداد جمعه ۲۸تیر امسال، فوت پسر شش سال‌های در باغ تالاری در غرب تهران به ماموران کلانتری مرزداران گزارش شد. ماموران کلانتری برای بررسی موضوع در آنجا حاضر شده و در بررسی اولیه متوجه شدند که پسر شش ساله که تنها فرزند خانواده بوده براثر برق‌گرفتگی در آب‌نما فوت شده است.

ماموران به تحقیق از والدین کودك فوت شده پرداختند که معلوم شد آنها ساکن یکی از استان‌های ایران هستند و برای شرکت در مراسم عروسی دخترعموی خانواده به این باغ تالار آمده بودند. در ساعات پایانی مراسم، پدر و مادر خانواده داخل سالن تالار بودند و پسر شش ساله با بقیه کودکان در حال بازی بود. روی چمن مصنوعی روی پل، سیم برقی قرار داشت که برخورد پای پسر بچه با آن باعث شد دچار برق‌گرفتگی شده و به داخل آب‌نما پرت شود.

سرهنگ جلیل موقوفه‌ای، جانشین پلیس پیشگیری در این باره گفت: مرگ این پسر خردسال از سوی امدادگران اورژانس تایید و جسد او با هماهنگی قضایی به پزشکی قانونی منتقل شد. مسؤولان تالار برای تحقیقات به کلانتری منتقل و تحقیقات از آنها ادامه دارد.

اتصالی سیم برق جان پسر ۶ساله را در جشن عروسی گرفت

تلنگر

شهادت ۲ مامور پلیس در عملیات دستگیری مرد شرور

دو مامور پلیس در جریان دستگیری فرد شروری به شهادت رسیدند و متهم به هلاکت رسید.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، ظهر چهارشنبه بیست و ششم تیر امسال، ماموران پلیس فنوج با هماهنگی قضایی برای دستگیری متهمی که باعث شرارت‌های مختلف اعم از تیراندازی در سطح شهر شده بود، عملیات خود را آغاز کردند. در این درگیری مسلحانه ماموران موفق به هلاکت شرور مسلح شدند و در بازرسی از مخفیگاه او مقداری سلاح نیز کشف شد. در این عملیات دو مامور به نام‌های ستوان یکم قربانعلی امیدی و استوار دوم امیرمختار جعفری بر اثر اصابت گلوله به شهادت رسیدند.

بخشش قاتل پای چوبه دار

مردی که به اتهام قتل دامادش از شش سال پیش در زندان بود، از سوی خانواده مقتول بخشیده شد.

صمدزاده، دادستان دادسرای عمومی و انقلاب شهرستان خوی به خبرگزاری صدا وسیما گفت: قاتل شش سال قبل به‌دنبال اختلافات خانوادگی، داماد خود را با قیچی پشم‌چینی گوسفند در یکی از روستاهای خوی به قتل رسانده بود. بعد از تایید حکم قصاص وی از سوی دیوان‌عالی کشور قرار بود صبح پنجشنبه به دار مجازات آویخته شود که از سوی اولیای دم بخشیده شد.

بازداشت ۴ مدیر گروه‌های تلگرامی غیراخلاقی

رئیس پلیس فتای خراسان شمالی، از متلاشی شدن یك گروه منتشرکننده مطالب غیراخلاقی در فضای مجازی خبر داد.

سرگرد یوسف شاکری در این باره به سایت پلیس گفت: اعضای این گروه در مدت فعالیتشان ۲۰۰ نفر عضو فعال جذب کرده بودند. متهمان، نوجوانان و جوانان را هدف قرار داده بودند. کارشناسان پلیس فتای استان پس از مشاهده مطالب غیراخلاقی منتشر شده در این گروه، عملیات شناسایی خود را آغاز کردند.

وی افزود: درجریان تحقیقات پلیسی چهار مدیر این گروه غیراخلاقی در شهرستان اسفراین شناسایی و بازداشت شدند. این افراد مطالب غیراخلاقی را در این گروه بارگذاری می‌کردند و به کمك دیگر اعضا در گروه‌ها و کانال‌های تلگرام بازنشر می‌دادند.

۳۳ کشته در آتش‌سوزی استودیوی پویانمایی

آتش‌سوزی عمدی در یك استودیوی پویانمایی‌سازی در کیوتو در غرب کشور ژاپن ۳۳کشته و ۳۶ زخمی برجای گذاشت.

به گزارش ایرنا، ساعت ۱۰ و ۳۰ دقیقه صبح پنجشنبه به وقت محلی در شهر کیوتوی ژاپن آتش‌سوزی در ساختمان سه طبقه استودیو آغاز شد. بررسی‌های اولیه شاهدان نشان می‌داد فردی بنزین را داخل استودیوی پویانمایی کیوتو ریخت و این ساختمان را آتش زد. هنگام شروع آتش‌سوزی حدود ۷۰ نفر در داخل این ساختمان حضور داشتند. آتش‌نشانان و گروه‌های امدادی آنجا حاضر شدند و به خاموش کردن شعله‌های آتش پرداختند. در جریان این آتش‌سوزی ۳۳نفر کشته و ۳۶ نفر دیگر زخمی و در بیمارستان بستری شدند. پلیس مظنون ۴۱ سال‌های را بازداشت کرد و هویت او از روی گواهینامه رانندگی که همراه داشت، شناسایی شد. متهم پرونده مدعی شده این شرکت، یك رمان وی را سرقت کرده به همین دلیل آن را آتش زده است.

به گفته شاهدان، این مرد پیش از آتش زدن به مردم گفته «بمیرید.»